

Higher Education from the lens of Human Capability Approach: A Meta-Synthesis Method

Somayeh Malek Makan*¹ , Mohammad Abooyee Ardakan², Vahid Mahmoudi³

1- Ph.D. Candidate, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding Author: Smalekmakan90@ut.ac.ir)

2- Associate Professor, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Professor, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

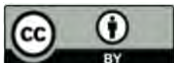
Higher education has been considered as one of the centers of society's progress and the foundation for progress in other fields. Therefore, the quality of this institution and the achievement of its goals are of great importance. This shows itself even more due to the change of development paradigms from economic development to human development, because in human development, man is the center and goal of development too, and the approach that emphasizes it is called the capabilities approach. The capabilities approach provides a more complete, holistic, and transformative approach to higher education curriculum design because it is not limited by predetermined contextual needs. Looking at the importance of the subject, the current research focuses on the implications of the human capabilities approach in higher education. The present research is developmental-applied based on purpose, qualitative based on the nature of data, and documentation based on data collection methods. The research method is analytical-descriptive and the qualitative data have been collected using the meta-synthesis qualitative research method according to Barroso and Sandelowski's seven-step method. For this purpose, by searching 16 reliable scientific databases, 1945 articles were identified between 1979 and 2022. Among all the 1945 identified original texts, 12 relevant articles were selected finally. Then the selected articles were reviewed and coded. The meta-synthesis of previous studies shows that the implications of the capabilities approach in higher education can be classified under four categories: contextual capabilities, behavioral capabilities, educational capabilities, and economic-welfare capabilities. The identified concepts (capabilities) also include 20 concepts.

Keywords: Innovation, Innovation Ecosystems, Power Electronic Devices, New Public Governance.

How to Cite this Paper:

Malek Makan, S., Abooyee Ardakan, M. & Mahmoudi, V. (2023). **Higher Education from the lens of Human Capability Approach: A Meta-Synthesis Method.** *Journal of Science & Technology Policy*, 16(3), 55-76. {In Persian}.

DOI: 10.22034/jstp.2023.11364.1664



دلالت‌های رویکرد قابلیت‌های انسانی در آموزش عالی: روش فراترکیب

سمیه ملک‌مکان^{۱*}، محمد ابویی اردکان^۲، وحید محمودی^۳

۱- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکدگان مدیریت دانشگاه تهران، ایران.

(نویسنده عهده‌دار مکاتبات: smalekmakan90@ut.ac.ir)

۲- دانشیار، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، ایران.

۳- استاد، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

آموزش عالی به مثابه یکی از کانون‌های پیشرفت جامعه و زمینه‌ساز پیشرفت در سایر حوزه‌ها مورد توجه قرار گرفته، و بنابراین کیفیت این نهاد و میزان دستیابی به اهداف آن از اهمیت بالایی برخوردار است. این مهم، با توجه به تغییر پارادایم‌های توسعه از توسعه اقتصادی به توسعه انسانی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد چرا که در توسعه انسانی نیز، انسان، محور و هدف توسعه است و رویکردی که بر آن تأکید می‌کند تحت عنوان رویکرد قابلیت‌ها معرفی می‌شود. رویکرد قابلیت‌ها رویکردی کامل‌تر، کل‌نگرتر و متحول‌کننده‌تر نسبت به رویکردهای پیشین به آموزش مانند رویکرد سرمایه انسانی و حقوق در طراحی برنامه آموزشی آموزش عالی ارائه می‌دهد زیرا با نیازهای زمینه‌ای از پیش تعیین شده محدود نشده است. با نگاهی به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر بر دلالت‌های رویکرد قابلیت‌های انسانی در آموزش عالی تمرکز می‌کند. در روش‌شناسی پژوهش، از رویکرد فراترکیب بهره گرفته شده است. بدین منظور با جستجو در ۱۶ پایگاه علمی معتبر، ۱۹۴۵ مقاله اولیه در فاصله زمانی ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۲ و ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ شناسایی و ۱۲ مقاله مرتبط انتخاب شد و مورد بررسی و کدگذاری قرار گرفت. فراترکیب مطالعات پیشین نشان می‌دهد دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی را می‌توان ذیل چهار مقوله قابلیت‌های زمینه‌ای، قابلیت‌های رفتاری، قابلیت‌های آموزشی و قابلیت‌های اقتصادی-رفاهی دسته‌بندی کرد. مقولات فرعی (قابلیت‌ها) شناسایی شده نیز شامل ۲۰ مفهوم هستند.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، دانشگاه، رویکرد قابلیت‌ها، رویکرد قابلیت و آموزش عالی، فراترکیب.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

ملک‌مکان، سمیه، ابویی اردکان، محمد، محمودی، وحید. (۱۴۰۲). دلالت‌های رویکرد قابلیت‌های انسانی در آموزش عالی: روش فراترکیب. *سیاست علم و فناوری*، ۱۶(۳)، ۵۵-۷۶.

Doi: 10.22034/jstp.2023.11364.1664

۱- مقدمه

رویکرد قابلیت گام بردارد باید این دو وجه را توأمان در نظر داشته باشد. به عبارت دیگر، فرد علاوه بر آموختن قابلیت باید فضایی برای بروز و ظهور آن قابلیت‌ها داشته باشد. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، از حدود ۱۳.۲ میلیون نفر جمعیت فارغ‌التحصیل دوره‌های عالی، حدود ۷.۶ میلیون نفر فعال اقتصادی هستند که از این تعداد ۶.۲ میلیون نفر شاغل و ۱.۴ میلیون نفر بیکار هستند [۲]. این موضوع نمایانگر عدم تناسب قابلیت فردی و محیطی در نظام آموزش عالی است. افراد فرصت یا حق انتخاب تبدیل قابلیت‌های فردی خود در زمینه آموزش را به کارکرد ندارند یا به دیگر سخن، از فرصت و دامنه انتخاب کمی در این زمینه برخوردارند.

هنگامی که در آموزش عالی شالوده‌های قابلیت بدرستی طراحی نشده باشد عدم تناسب مهارت‌های تخصصی و عمومی پدیدار می‌شود. فرد آموزش دیده قابلیت‌های خود را متفاوت با شرایطی که برای تبدیل آن قابلیت‌ها به کارکرد فراهم شده است می‌بیند. همچنین، شکاف مهارت‌های عمومی و تخصص مورد نیاز در بازار کار به لحاظ جامعه‌پذیری سبب شده که افراد آمادگی لازم را به منظور ورود به محیط کار و امکان تحقق قابلیت‌های فراگرفته و تبدیل آن‌ها به کارکرد را نداشته باشند. به عبارت دیگر چگونگی حرکت از سطح منابع به توانایی تبدیل منابع به کارکرد در نظام آموزش عالی به درستی تبیین نشده است. صنعت تقاضای دیگری و آموزش عالی عرضه دیگری ارائه می‌کنند. براساس گزارش مرکز آمار ایران، سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۴۲.۸ درصد بوده است [۳]. این آمار خود نشانه‌ای بر عدم تناسب در قابلیت عمومی و تخصصی است. کیفیت نظام آموزشی یک کشور یکی از قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار در میزان تولید ثروت آن کشور در بلندمدت است. با بهبود مهارت‌های افراد جامعه در اثر بهبود نظام آموزشی، بخش

آموزش عالی یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های مختلف است. به دیگر سخن، آموزش عالی وظیفه تربیت و تأمین نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه را عهده‌دار می‌باشد. محصولات نظام آموزش عالی عناصر گردش چرخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به حساب می‌آیند و نقش اساسی در رشد و توسعه کشور در ابعاد گوناگون ایفا می‌کنند. یکی از مأموریت‌های اصلی آموزش عالی، آماده‌سازی جوانان- البته منحصر به آنان نیست- برای چالش‌های آینده است. آموزش عالی علاوه بر اینکه این قابلیت را دارد زندگی افراد را تغییر دهد، بافت اجتماعی را پایدارتر و منسجم‌تر می‌کند. به دلیل تأثیر پراهمیت این نظام در راستای انسان‌سازی و ترویج علوم و فنون در میان آحاد جامعه، لازم است اهتمام لازم به منظور تحقق اهداف آن صورت پذیرد. از اهداف اصلی آن زمینه‌سازی بروز و شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های افراد است. این زمینه‌سازی، از توجه به محتوای مصرفی در نظام تعلیم و تربیت گرفته تا میزان دسترسی، عدم تبعیض در حوزه‌های مختلف، نحوه انتخاب و گزینش در ورود به آموزش عالی و ... می‌تواند تجلی پیدا کند. در دوران معاصر نیز توسعه انسان‌محور به عنوان هدف اصلی توسعه در نظر گرفته شده است. این تقارن، اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند. چرا که آموزش عالی حلقه مهم و نهایی تربیت مدنی انسان‌هایی است که در ابعاد شناختی، عاطفی و عملی، کارکردهای مهمی را در تصدی مدیریت اجتماعی بر عهده دارند [۱]. بررسی عملکرد آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که این نظام دچار عدم تناسب در قابلیت فردی و محیطی، عدم تناسب در قابلیت عمومی و تخصصی و از سوی دیگر عدم بهره‌وری و پویایی اقتصادی با توجه به هزینه‌های مصرف شده می‌باشد. قابلیت دارای دو وجه فردی و محیطی است. اگر نظام آموزش عالی بخواهد مبتنی بر

باشند. از سوی دیگر، رویکرد قابلیت‌ها در حوزه مطالعات توسعه بسیار مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته است و به نظر می‌آید هم در حوزه نظریه‌های آموزشی و هم در حوزه اقدامات مربوط به آن، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد [۴]. به صورت کلی سه دسته از رویکردها به مقوله آموزش، هم در نهادهای سیاست‌گذاری و هم در محافل دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکردها عبارتند از: رویکرد سرمایه انسانی، رویکرد حقوق، و رویکرد قابلیت انسانی. رویکرد سرمایه انسانی به انسان به عنوان یکی از ابزارهای توسعه نگاه می‌کند این نگاه مکانیکی به انسان در رویکرد حقوقی تا حدودی تعدیل می‌شود چرا که در رویکرد حقوقی، آموزش واجد ارزش نهادی است و انسان به سبب ذات کمال‌گرای خود به آن گرایش دارد؛ و از این رو به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق هر انسان ارزشمند است. رویکرد قابلیت انسانی یا انسان‌گرا، انسان را به عنوان موجودی در نظر می‌گیرد که از راه انتخاب‌ها، ارزش‌ها و ترجیحات خود در فرایند توسعه وارد می‌شود و از این رو هم آفریننده توسعه است و هم برآیند فرایندهای آن. به لحاظ ساختاری از آنجا که رویکرد قابلیت‌ها فرض می‌کند ساختارهای اجتماعی به وسیله میزان قدرتی که افراد می‌توانند توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش خود را در جهت افزایش عاملیت بسیج کنند تعیین می‌شود، توجه کانونی علاوه بر اینکه به درس‌هایی است که در نظام آموزشی ارائه می‌شود، به اینکه چگونه نظام دانشگاهی می‌تواند فرصت‌های توسعه‌ای را منصفانه‌تر و بی‌طرفانه‌تر کند نیز می‌باشد. به عقیده نوسباوم [۵] آموزش برای همه قابلیت‌های انسانی ضروری است. او آموزشی را توصیه می‌کند که تمام ظرفیت‌های افراد را به سمت کاملاً انسان بودن توسعه دهد. او معتقد است دانشگاه‌ها باید تلاش‌های خود را وقف توسعه سوژه‌ها به عنوان شهروندان مستقل و آزادی‌کنند که در موقعیت‌های اجتماعی غیرمنصفانه و همچنین به لحاظ سیاسی فعال باشند. برخی اندیشمندان

بزرگتری از جامعه در اقتصاد مشارکت می‌کنند که این به معنی افزایش بهره‌وری است. نظام آموزش عالی از بهره‌وری لازم در تأثیرگذاری بر عرصه اقتصادی نیز عاجز است. تعداد فارغ‌التحصیلان از سال ۱۳۵۵ تاکنون ۲۷ برابر شده اما براساس آمارهای بانک جهانی، درآمد سرانه به قیمت ثابت هنوز به سال ۱۳۵۵ نرسیده است. لذا به نظر می‌رسد نظام آموزش عالی در قابلیت‌مند کردن دانشوران نتوانسته است بخوبی عمل کند.

با درک اهمیت موضوعاتی که به آن اشاره شد، پرسش مهم این است که دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی چیست؟ به عبارت دیگر رویکرد قابلیت‌ها به چه مفاهیمی در حوزه آموزش عالی اشاره می‌کند؟ استخراج این مفاهیم، بینش بسیار خوبی پیرامون چگونگی جاری کردن رویکرد قابلیت در نظام آموزش عالی به دست خواهد داد.

در این پژوهش مقالاتی که در ۱۰ پایگاه داده الکترونیکی علمی انگلیسی از سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۲ و شش پایگاه الکترونیکی فارسی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ به نوعی به موضوع دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی پرداخته‌اند در فرایندی نظام‌مند استخراج می‌شود. سپس نویسندگان با طی کردن مراحل رویکرد فراترکیب به بررسی و تحلیل یافته‌ها می‌پردازند.

۲- پیشینه نظری پژوهش

یکی از شروط لازم برای توسعه متوازن و همه‌جانبه، توسعه متوازن نظام دانایی به صورت کلی و نظام آموزش عالی به طور خاص است. آموزش عالی و دانشگاه، رشد و تکامل انسان را تسهیل می‌کند و مأموریت بهبود و توسعه دانش و فرهنگ کشور را بر عهده دارد. در آموزش عالی همه افراد باید در دستیابی به آموزش تکمیلی، فرصت عادلانه‌ای داشته

^۱ از آن جهت که «رویکرد قابلیت‌ها» از اواخر دهه ۱۹۷۹ و اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط نظریه پرداز اولیه آن، آمارتیا سن مطرح شد، پژوهشگران، این نقطه زمانی را به عنوان نقطه آغاز جستجوهای خود انتخاب نموده‌اند.

نقش آموزش را در بازسازی نهادهای اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهند. رویکردهای مطلوبیت‌گرا که در دل نظریه‌های ارتدکس اقتصادی قرار دارند، نقش ابزاری آموزش را در تشکیل و تقویت سرمایه انسانی مطرح می‌کنند. اندیشمندانی مانند رابیندرانات تاگور به جنبه‌هایی از آموزش که به رشد معنوی و عاطفی انسان منجر می‌شود توجه داشته‌اند؛ و در سال‌های اخیر رویکرد قابلیت بر ظرفیت نظام آموزشی در تربیت انسان‌هایی با توان مشارکت فعالانه- هم در راستای ارتقای کیفیت انسانی در سطح زندگی شخصی و هم در فرایندهای توسعه اجتماعی و اقتصادی- تأکید می‌کند [۶].

آموزش عالی یکی از نهادهای اجتماعی است که نقشی بی‌نظیر در تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که از جمله کارکردهای آن می‌توان به مواردی همچون جامعه‌پذیری، افزایش احساس تعلق اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، پیشرفت و توسعه، اشاعه و توسعه دانش، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه‌های متنوع علمی و پژوهشی، توسعه دانایی و توانایی، اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی فرهنگ عمومی، حفظ و انتقال و بازاندیشی سنت‌ها، تجدید حیات فرهنگی و ... اشاره کرد [۷]. آموزش عالی ظرفیت‌های نیروهای اجتماعی را ارتقا می‌دهد که این مسئله یکی از اساسی‌ترین پیامدها و کارکردهای آن در هر جامعه‌ای است [۷]. اگر آموزش عالی اهداف اجتماعی که مد نظر داشته است را تأمین نکند بعدتر نمی‌تواند به جامعه خدمت کند و معنی و هدف بنیادی خود را (مشروعیت) از دست می‌دهد. بنابراین مسئولیت آموزش عالی به شکل یک قرارداد اخلاقی با جامعه ترسیم می‌شود. به عبارت دیگر، فعالیت مؤسسات آموزش عالی باید به انتظارات ایجاد شده در گروه‌های داخلی و خارجی که از آن متأثر است پاسخ دهد [۸]. در مرکز نظام آموزش عالی، دانشگاه‌ها هستند که نقش‌آفرینی می‌کنند و از بزرگترین ابداعات هزاره کنونی محسوب می‌شوند، پدیده‌هایی که بیش از ۹۰۰ سال قبل به وجود آمده‌اند، اما هنوز هم از افتخارات انسانی و حاصل

پیروزی قدرت تخیل محسوب می‌شوند [۹]. دانشگاه و آموزش عالی در ایجاد و گسترش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سه عنصر محوری و کلیدی یعنی مردم، حکومت و جامعه مدنی نقشی اساسی ایفا می‌کنند [۷]. گسترش دانشگاه نه تنها نیروی تربیت‌شده مورد نیاز جامعه را تأمین می‌کند، بلکه زیرساخت‌های فکری و فرهنگی جامعه را برای برخورداری از روش‌ها و فناوری‌های نوین فراهم می‌کند و بر همین اساس مؤثرترین شیوه سرمایه‌گذاری در منابع انسانی به شمار می‌رود.

همان‌گونه که بونی و واکر [۱۰] ادعان می‌کنند دو چشم‌انداز اصلی، پیرامون نقش، اهداف و معیارهای موفقیت دانشگاه‌ها وجود دارد. اولین چشم‌انداز که چشم‌انداز غالب است، بر کارایی و رقابت‌پذیری اقتصادی تمرکز می‌کند- این چشم‌انداز توسط «شورای اتحادیه اروپا»^۱، «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۲ و «بانک جهانی»^۳ نشان داده شده است. این چشم‌انداز، آموزش عالی را به مثابه یک صنعت برای دستیابی به رقابت‌پذیری ملی و به عنوان یک خدمت پرسود برای فروش در بازار جهانی می‌بیند [۸]. چشم‌انداز دوم، به اهداف مؤسسات آموزش عالی اشاره می‌کند- همان‌گونه که در «مقدمه‌ای به منشور دانشگاه‌های اروپایی»^۴، «بیانیه جهانی در مورد آموزش عالی برای قرن ۲۱: چشم‌انداز و اقدام»^۵ و «بیانیه تالیبرس»^۶ بدان اشاره شده است [۱۱-۱۳] این منابع ادعا می‌کنند مؤسسات آموزش عالی باید نقشی فعال- چه به لحاظ محلی و چه به لحاظ جهانی- در مبارزه برای یک جامعه منصفانه و پایدار بازی کنند.

رویکرد قابلیت، چارچوبی هنجاری و گسترده برای سنجش^۷ و ارزیابی^۱ رفاه فردی و ترتیبات اجتماعی، طراحی

¹ Council of the European Union

² Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

³ World Bank

⁴ Preamble to the Charter of European Universities

⁵ World Declaration on Higher Education for the 21st Century: vision and action

⁶ Talloires Declaration

⁷ Evaluation

هدایت زندگی‌ای که فرد آرزوی آن را دارد مهم است؛ به عبارت دیگر عاملیت به مشارکت فعال در برنامه‌ریزی و هدایت زندگی خود اطلاق می‌شود [۴]. بنابراین عاملیت بعد مهمی از رفاه انسان را تشکیل می‌دهد. رویکرد قابلیت‌ها علاوه بر اینکه منافع و درآمد را بالا می‌برد در ارائه بیشترین فرصت‌ها به افراد و بنابراین تقویت حقوق انسانی، آزادی‌ها، قابلیت‌ها و فرصت‌ها و توانمندساختن شهروندان در هدایت یک زندگی خلاق، سالم و طولانی نیز پیشرو است [۸].

مرکزیت ارزش‌های اخلاقی در رویکرد قابلیت‌ها آزادی است. این رویکرد تلاش کرده است با نگاه چندسویه و فراگیر خود، رویکردهای پیشین را کامل کند. رویکرد انسان‌گرا به آموزش دو چشم‌انداز را مطرح می‌کند: الف) بحث درباره هدف آموزش، فراتر از نقش فایده‌گرایی که توسعه اقتصادی بازی می‌کند و فراتر از رویکرد سرمایه انسانی که گفتمان بین‌المللی درباره توسعه را به میزان زیادی به عنوان افزایش در GDP توصیف می‌کند و ب) مفهومی که آموزش اساساً در ایجاد و توسعه قابلیت‌های لازم به منظور توانمندسازی همه افراد- بدون استثنا- برای یک زندگی شایسته مد نظر قرار می‌دهد [۸]. دانشجویانی که دارای طیف گسترده‌تری از قابلیت هستند و عاملیت برای تبدیل منابع به قابلیت‌ها و کارکردها را دارند در مقایسه با کسانی که مجموعه قابلیت محدودتری دارند و فاقد عاملیت هستند، ممتاز پنداشته می‌شوند [۱۸]. از منظر آمارتیا سن آموزشی مهم است که بر توسعه آزادی‌های انسانی تأثیر می‌گذارد. آزادی ارزش کانونی آموزش است هم در جایگاه هدف (به منظور افزایش آزادی واقعی افراد) و هم در جایگاه ابزار مورد استفاده برای دستیابی به هدف. اهمیت رویکرد قابلیت‌ها برای آموزش عالی، توانایی آن در فراتر رفتن از چارچوب‌های نئولیبرال آموزش عالی و باز کردن فرصت‌هایی برای گفتگوهاست [۱۹]. آموزش عالی از نگاه رویکرد قابلیت‌ها ویژگی‌های متمایز و متعددی دارد. و اگر پنج ویژگی را بیان می‌کند:

سیاست‌ها و پیشنهادهایی پیرامون تغییرات اجتماعی است [۴] که در سال ۱۹۷۹ بوسیله آمارتیا سن در مقاله‌ای تحت عنوان «برابری در چه چیزی؟»^۱ معرفی شد. این مفهوم در سال ۱۹۹۰ توسط او به عنوان یک رویکرد توسعه مطرح شد [۱۴]. هرچند که برخی از جنبه‌های رویکرد قابلیت به گذشتگان و افرادی مثل آدم اسمیت، جان استوارت میل و کارل مارکس برمی‌گردد؛ اما به طور خاص این رویکرد با الهام از تلاش‌های محبوب‌الحق گسترش یافته است و در وضع کنونی‌اش مدیون فیلسوفان و اقتصاددانانی مانند آمارتیا سن و مارتا نوسبام است [۱۴، ۱۵]. رویکرد قابلیت‌ها به نقد اشکال مرسوم اقتصاد رفاه در رویکرد فایده‌گرایی می‌پردازد چرا که در رویکرد فایده‌گرایی، رفاه و کیفیت زندگی به وسیله رضایت افراد شناسایی می‌شود یعنی رضایت بیشتر، مترادف شادی بیشتر است. اما این رویکرد، دیگر جنبه‌های توسعه و نابرابری بین انسان‌ها را در نظر نمی‌گیرد [۴، ۱۶]. این رویکرد، زاویه دید را از عنصر «درآمد» به عنصر «قابلیت» تغییر داده است [۱۷]. سن با تفسیر از رفاه در قالب شادی به لحاظ ذهنی، به مقابله برمی‌خیزد و یک مقوله مهم در رویکرد قابلیت‌ها را کارکردها^۲ می‌داند. کارکردها شکل تحقق‌یافته قابلیت‌ها هستند. به عبارت دیگر آنچه فرد به گونه‌ای بالقوه می‌تواند انجام دهد قابلیت وی و آنچه او هم‌اکنون قادر به انجام دادن آن است، کارکرد او به شمار می‌رود. این کارکردها می‌تواند فعالیت‌هایی مثل خواندن و نوشتن، موقعیت‌های فیزیکی مانند توانایی^۳ رشد کردن و سالم بودن، حالت‌های ذهنی مانند شاد بودن یا کارکردهای اجتماعی مانند یکی‌شدن با جامعه را دربرگیرد. بعد دیگر رویکرد قابلیت‌ها، عاملیت^۴ است و به معنی توانایی دنبال کردن اهدافی است که برای فرد ارزشمند بوده و برای

¹ Assessment

² Equality of What?

³ Functionings

^۴ استفاده از «داشتن توانایی در ...» به معنای فرصت و امکان‌پذیری مورد نظر در مفهوم قابلیت است.

⁵ Agency

کردن آن‌هاست به نحوی که نویسندگان زندگی خود باشند [۴]. رویکرد قابلیت‌ها اذعان می‌کند که آموزش باید پارا فراتر از توسعه صفات خارجی قابل اندازه‌گیری و عمومی بگذارد [۱۹،۲۳،۲۴] و بجای آن باید آینده را از طریق توسعه سبک‌های بودن در جهان و فراهم کردن قابلیت‌هایی که بتوان به آن‌ها جامعه عمل پوشاند ترسیم نماید [۱۹،۲۵]. آنچه باید بدان توجه داشت این است که این قابلیت‌ها یادگیرنده محور بوده [۲۶] و مستلزم دخالت و تصمیم‌گیری از جانب دانشور هستند.

نوسبوم همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد هدف آموزش عالی از منظر رویکرد قابلیت را ترویج انسانیت تام برای عملکردهای شهروندی و زندگی به صورت کلی می‌داند. تمرکز او بر این است یک شهروند خوب در حال حاضر چه کسی است و چه چیزی باید بداند. از منظر رویکرد قابلیت‌ها، مدل ایده‌آل، جامعه لیبرال دموکراسی است جایی که افراد آزادی‌های واقعی برای هدایت زندگی‌ای که برای آن ارزش قائلند دارند. نوسبوم معتقد است آموزش باید افرادی را پرورش دهد که توانایی اداره یک زندگی متأملانه^۱، و آگاهی از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به منظور توسعه ظرفیت قابل توجهی برای قضاوت آن جامعه، داشته باشند. چرا که تأمل در تحولات زندگی و نقد جامعه برای یک زندگی موفق لازم است. افرادی توانایی هدایت زندگی دارند که آگاهانه و متفکرانه انتخاب کرده‌اند. این به این معناست که فرد باید خودآگاه، مستقل و لایق شناخت و احترام به انسانیت همه هموعان بدون توجه به محل تولد، طبقه اجتماعی، جنسیت یا منشأ قومی آن‌ها باشد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

نظریه پردازان و اندیشمندان مختلف یا با مطرح کردن رویکرد خود و یا با ارائه لیستی از قابلیت‌ها در آموزش عالی، به چگونگی دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش

(۱) آموزش عالی هم ارزش‌های ذاتی و هم ارزش‌های ابزاری دارد، (۲) زمینه‌ای برای چندفرهنگی فراهم می‌کند، (۳) به عاملیت افراد اهمیت می‌دهد، (۴) عاملیت فردی و اجتماعی را در یک کفه قرار می‌دهد و (۵) به قابلیت‌های مورد نیاز برای دستیابی به عاملیت فردی و اجتماعی توجه می‌کند [۲۰، ۲۱].

به منظور فهم جدیدی از آموزش دانشگاهی در قرن ۲۱ از دیدگاه قابلیت‌ها، باید بر اقدامات انجام‌شده در زمینه‌هایی مانند آموزش و پرورش و برنامه آموزشی، پژوهش، مسئولیت اجتماعی، حاکمیت نهادی و زمینه فرهنگی- اجتماعی که در آن مؤسسات آموزش عالی غوطه‌ور هستند تمرکز کرد [۸]. برای مثال، از نظرگاه آموزش و پرورش و برنامه آموزشی، واکر بر روی تشکیل و طراحی ابعاد آموزشی حرفه‌ای با تضمین خیر عمومی کار کرده است، چنانکه لیستی مشخص توسط او به عنوان اهداف قابل اندازه‌گیری در برنامه آموزشی دانشگاه منتشر شده است. نوسبوم درباره ایجاد قابلیت برای شهروندی دموکراتیک و بونی، مک‌دونالد و پریس [۲۲] در مورد کیفیت‌های برنامه‌های آموزشی بین‌المللی کارهایی انجام داده‌اند. به لحاظ پژوهش، از دیدگاه توسعه، بازانديشي پژوهش علمی و انتقال دانش، ارزش‌های کانونی که کیفیت زندگی افراد را توجیه می‌کند، مشارکت شهروندی، توانمندسازی شهروندی، پایداری- همه این‌ها با مسئولیت اجتماعی دانشگاه ارتباط دارد- تمهیدات خوبی است. در بعد حاکمیت دانشگاه، تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری درونی و همچنین نوعی از سیاست‌ها -مانند انتخاب معلم و رویه‌های آموزشی، فرایندهای پذیرش و عملکرد مدیران و مجریان آموزش عالی- که بر بازیگران داخلی دانشگاه تأثیرگذار است و همچنین سیاست‌های مربوط به عوامل خارجی-مانند سازمان‌های دولتی یا خصوصی دیگر، جامعه مدنی و غیره- مورد توجه است. هدف از آموزش در رویکرد قابلیت، بسط‌دادن عاملیت افراد (توانمندسازی) به منظور توانمند

^۱ Reflective life

عالی اشاره کرده‌اند.

شایستگی و قابلیت را مورد توجه قرار داده‌اند. در نهایت نویسندگان این مقاله، دلالت‌های ممکن برای یادگیری و تعلیم در آموزش عالی و انضمام رویکرد شایستگی‌ها با رویکرد قابلیت‌ها را مورد مذاقه قرار می‌دهند. یافته‌های این پژوهش از چشم‌اندازهای مختلفی دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی را نشان می‌دهند [۴]. این مقاله به مرزهایی از دلالت‌های رویکرد قابلیت در آموزش عالی وارد می‌شود که در تناظر با رویکرد شایستگی است. لازم به ذکر است مواجهه رویکرد شایستگی و رویکرد قابلیت، دوگانه- ایست که صرفاً از منظر نویسنده مطرح شده که در ادامه به دنبال تلائم آن دو است.

واکینگتون و همکاران در مقاله خود تحت عنوان «رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی: قابلیت‌های جغرافیایی و دلالت‌هایی برای برنامه‌های آموزشی جغرافیا» رویکردهایی را برای توسعه برنامه آموزشی جغرافیا با تأکید بر ارزش آموزشی تفکر جغرافیایی برای دانشوران بررسی می‌کنند. آن‌ها با بررسی نمونه‌های بین‌المللی، پنج قابلیت جغرافیایی را شناسایی می‌کنند. در این حوزه رویکرد قابلیت‌ها پاسخی مولد و محکم در برابر تهدیدهای آموزشی در آموزش عالی ارائه می‌دهد. در نهایت در این مقاله، چارچوبی برای تهییج گفتگو درباره توسعه برنامه آموزشی و نقش قابلیت‌های جغرافیایی در برنامه آموزشی آموزش عالی پیشنهاد شده است و پنج قابلیت جغرافیایی برای برنامه آموزشی آموزش عالی ارائه می‌شود. این پنج مورد برگرفته از ویژگی‌های رویکرد قابلیت‌های ده گانه نوسباوم هستند و از این جهت حائز اهمیتند [۱۹]. این مقاله همان‌گونه که پیداست برنامه آموزشی جغرافیا را ملاک پژوهش خود قرار داده است و از پرداختن به اهمیت رویکرد قابلیت‌ها در سایر سرفصل‌های آموزش چشم‌پوشی کرده است.

موتانگا و واکر در مقاله خود با عنوان «به سوی یک سیاست آموزش عالی دربردارنده افراد کم‌توان از طریق رویکرد قابلیت‌ها» در مورد چالش‌های مداومی که دانشوران کم‌توان

ترزی در مقاله خود با عنوان «قابلیت برای آموزش دیدن» هفت قابلیت اساسی برای عملکردهای آموزشی ارائه می‌دهد: (۱) سواد، (۲) مهارت محاسبه، (۳) جامعه‌جویی و مشارکت، (۴) تمایلات یادگیری، (۵) فعالیت‌های بدنی، (۶) علم و فناوری، (۷) استدلال عملی [۲۷]. در این مقاله تمرکز بر نتایج و پیامدهای آموزش عالی است و به فرایند آموزش عالی به صورت کلی اشاره‌ای نکرده است.

واکر لیستی از هشت قابلیت اساسی را برای آموزش عالی ارائه می‌دهد: (۱) استدلال عملی، (۲) تاب‌آوری آموزشی، (۳) دانش و تخیل، (۴) تمایلات یادگیری، (۵) ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی (۶) احترام، منزلت و به رسمیت شناسی (۷) یکپارچگی عاطفی و احساسات و (۸) تمامیت جسمانی^۱ [۲۸]. به عقیده او این قابلیت‌ها باید برای هر فرایند آموزش عالی که در جستجوی تقویت انسانیت، عاملیت مؤثر و رفاه است در کانون توجه قرار گیرد. منحصر کردن غایت فرایند آموزش عالی به تقویت انسانیت، عاملیت مؤثر و رفاه اگرچه بسیار نیکوست اما فرایندهای آموزش عالی اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنند.

لوزانو و همکاران در مقاله خود تحت عنوان «شایستگی‌های آموزش عالی: تحلیلی انتقادی از دیدگاه رویکرد قابلیت‌ها» به تشریح ویژگی‌های رویکرد قابلیت‌ها و دلالت‌های آن برای آموزش پرداخته‌اند. همچنین به برخی از محدودیت‌های رویکرد شایستگی^۲ در آموزش عالی، پتانسیل رویکرد قابلیت‌ها و مکمل‌های لازم در هر دو رویکرد اشاره کرده‌اند. سپس این دو رویکرد را با یکدیگر مقایسه کرده و در ادامه الف) اهداف آموزش و ب) مفهوم

¹ Bodily Integrity

نوسباوم تمامیت جسمانی را اینگونه تعریف می‌کند: «توانایی حرکت آزادانه از جایی به جای دیگر؛ در برابر آزارهای خشونت‌آمیز، از جمله آزار جنسی، ایمن بودن، داشتن فرصت برای دستیابی به رضایت جنسی و حق انتخاب در امور باروری».

² Competencies Approach

دادن به پرداختن به تنوع، برابری و فراگیر بودن آموزش عالی است. تمرکز این مقاله که توسط ماملنگو انجام شده است درک موضوعات مربوط به دسترسی و پذیرش دانشجویان در آموزش عالی است. نویسنده معتقد است مؤسسات آموزش عالی باید فرصت‌هایی را برای همه دانشجویان به نحوی فراهم کنند تا به شکلی که برایشان ارزشمند است زندگی کنند [۳۰]. این مقاله نیز تلاش کرده است یک بعد از فرصت و امکان لازم برای بهره‌گیری از آموزش عالی یعنی دسترسی را مورد توجه قرار دهد.

«مفهوم‌سازی مزایا و معایب در آموزش عالی آفریقایی جنوبی از دیدگاه رویکرد قابلیت» عنوان مقاله‌ایست که گور و واکر در سال ۲۰۲۰ در آن اظهار می‌کنند با استفاده از رویکرد قابلیت، مزایا و معایب می‌تواند از نظرگاه قابلیت‌های دانشجویان، کارکردها و عاملیت بهتر درک شود زیرا پارا از نژاد فراتر می‌گذارند تا دیگر اشکال ظلم مانند طبقه، جنسیت و عوامل فردی مرتبط مورد نظر قرار گیرد [۱۸]. در ادامه مقاله، آن‌ها براساس یافته‌های نظری و تجربی یک مفهوم‌سازی پیچیده، چندبعدی و ظریف از مزایا و معایب برای درک مداخلات کاربردی در آموزش عالی ارائه می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیش‌زمینه نژادی به عنوان عدم امتیاز در حال محدود شدن است و بنابراین سیاست‌ها باید فرصت‌هایی برای همه دانشجویان به منظور موفقیت فراهم کنند. این مقاله با توجه به زمینه مطالعه خود تلاش کرده است، نژاد را به عنوان یکی از موضوعاتی که آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مطرح نظر قرار دهد.

کمبل و مک‌کندریک در مقاله خود با عنوان «ورای آرزوها: استقرار رویکرد قابلیت برای مواجهه با حضور کم‌رنگ جوانان جوامع محروم در آموزش عالی» مشارکت پایین جوانان جوامع محروم را از طریق رویکرد قابلیت بررسی می‌کنند و معتقدند رویکرد قابلیت راه بهتری برای نظریه‌پردازی و درک فقدان این موضوع ارائه می‌کند. به

در آموزش عالی با آن مواجه هستند صحبت می‌کنند. در این مقاله، از طریق به کارگیری لیست هشت موردی واکر از آزادی‌ها و فرصت‌های ارزشمند برای دانشوران کم‌توان، رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی عملیاتی می‌شود. داده‌های این مقاله با استفاده از مطالعه کیفی سنجش فرایندهای آموزش عالی که از طریق آن دانشوران کم‌توان در دو دانشگاه آفریقایی جنوبی انتخاب‌های آموزشی خود را انجام می‌دهند و ساختارهای متفاوتی را در این راه پیش می‌گیرند استخراج شده است. در این مقاله ۱۱ فرصت و آزادی با ارزش و کلیدی که مورد نیاز دانشوران کم‌توان در آموزش عالی است شناسایی شده است [۲۹]. این مقاله تلاش کرده است بر دانشوران کم‌توان متمرکز شود و بنابراین به لحاظ کل‌نگری یک دسته از دانشوران را مد نظر قرار داده است.

«آموزش عالی در مواجهه با فقر از دیدگاه رویکرد قابلیت‌ها: نمونه اسپانیا» عنوان مقاله‌ایست که سانز و همکاران در آن به ترتیب به این موضوعات می‌پردازند: ابتدا مفاهیم فقر و نابرابری و ارتباط بین آن‌ها را ترسیم می‌کنند؛ سپس وضعیت فقر در اسپانیا در چارچوب اتحادیه اروپا را توصیف می‌کنند؛ در مورد برساخت نظری و عملی بسیار مناسبی که رویکرد قابلیت‌ها- به ویژه سهمی که نوسبوم در این زمینه دارد- برای تحلیل و ریشه‌کنی فقر دارد بحث می‌کنند؛ طرح‌نامه‌های آموزشی برای توانمندسازی جامعه آموزش عالی در مواجهه با فقر از دیدگاه رویکرد قابلیت‌ها ارائه می‌کنند. آن‌ها یکی از دلایل فقر درآمدی را به سطح پایین آموزش نسبت می‌دهند [۸]. در این مقاله، سهمی که رویکرد قابلیت‌ها در رفع فقر در حوزه آموزش عالی می‌تواند داشته باشد مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین تمرکز بر یکی از کارکردهایی است که این رویکرد می‌تواند در آموزش عالی ایفا کند.

هدف مقاله «بازاندیشی دسترسی و پذیرش دانشجو در آموزش عالی از منظر رویکرد قابلیت‌ها» کمک به اهمیت

اشاره کرده و در ادامه ظرفیت رویکرد قابلیت‌ها برای شکل‌دهی به خط مشی را بررسی می‌کنند. همچنین به منظور توسعه خط مشی‌ای برای مؤسسات آموزش عالی مبتنی بر فرصت‌هایی برای عملکردهای باارزش به مثابه بنیادی اطلاعاتی برای برابری جنسیت، پژوهش‌هایی را انجام می‌دهند. در انتها آن‌ها با بحث در مورد دلالت‌های نتایج پژوهش‌هایشان برای برانگیختن گفتگوهای عمومی نسبت به شکل دادن یک خط مشی برابری جنسیتی قابلیت‌محور، و همچنین بازتاب کمک‌های گسترده‌تری که رویکرد قابلیت‌ها برای توسعه خط مشی به ارمغان می‌آورد نتیجه‌گیری خود را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر این مقاله نخست طرح کلی زمینه خط مشی آموزش عالی آفریقای جنوبی را نشان می‌دهد و سپس به ظرفیت رویکرد قابلیت‌ها برای شکل دادن به خط‌مشی‌های برابری جنسیت برمی‌گردد [۳۲]. این مقاله به یکی از مسائل مهم در بحث آموزش عالی - برابری جنسیت - اشاره می‌کند و این بعد از تفاوت‌های ممکن بین فرصت‌ها و امکانات زنان و مردان را بررسی می‌کند.

مهدی و همکاران در پژوهش خود با عنوان «رویکرد قابلیت و عدالت در آموزش عالی: فراترکیب قابلیت‌های دانشجویان» به شناسایی دامنه قابلیت‌های اساسی، عوامل تبدیلی و منابع لازم برای دانشجویان و ارائه تعریف روشنی از آن‌ها می‌پردازند. آن‌ها در وهله اول با استفاده از روش فراترکیب، فهرست قابلیت‌هایی که برای تحقق عدالت آموزشی در آموزش عالی ضروری دانسته شده است، شناسایی و تعریف روشنی از آن‌ها ارائه می‌دهند؛ در وهله دوم نیز منابع اولیه و عوامل تبدیلی مختلفی که به منظور ایجاد قابلیت‌ها در افراد (دانشجویان) نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، شناسایی می‌شوند. به زعم آنان، مجموعه قابلیت‌های شناسایی شده می‌تواند به عنوان ابزاری برای آگاهی بهتر از وضعیت موجود، رویه‌ها و اقدامات دانشگاه عمل کند و به تصمیمات عقلانی‌تری منجر شود که یادگیری بهتر و

عبارت دیگر تسلط قابلیت‌های جوانان جوامع محروم، آرزوهای بعد از مدرسه آن‌ها و اثر ترتیبات اجتماعی مانند گسترش دسترسی و شبکه‌های تأثیرگذاری بر تشکیل آرزو در این پژوهش بررسی می‌شود. هدف کلیدی برنامه گسترش مشارکت، القای فرهنگ آرزوها در میان جوانان جوامع محروم برای افزایش دستیابی آموزشی و کسب پیشرفت به سمت سطوح پیشرفته‌تر یادگیری است. این‌طور به نظر می‌رسد رویکرد قابلیت می‌تواند به عنوان یک چارچوب ارزیابی‌کننده به کار رود که استطاعت تحلیل جامع انتخاب‌های بعد از مدرسه جوانان محروم را با بررسی تعامل آرایش مؤلفه‌هایی که بر تصمیم‌گیری تأثیرگذارند دارد [۳۱]. اگرچه پرداختن به جوامع محروم به دلیل محدودیت‌هایی که با آن مواجه هستند بسیار از اهمیت برخوردار است اما این بعد نیز یکی از ابعاد وسیعی از دلالت‌هایی است که رویکرد قابلیت‌ها ایفا می‌کند.

الخیاط در مقاله خود با عنوان «رویکرد قابلیت‌ها: جایگزین آینده آموزش عالی نئولیبرال در منطقه منا» رویکرد قابلیت را چارچوبی نظری می‌داند که توسط آمارتیا سن معرفی شده و یک نظریه عدالت اجتماعی است. این رویکرد عموماً یک جایگزین ممکن برای ارزش‌های نئولیبرال موجود در آموزش عالی منطقه مناسب است زیرا توانمندسازی و آگاهی اجتماعی را ترغیب می‌کند. در واقع در این مقاله پیاده‌سازی رویکرد قابلیت‌های مارتا نوسباوم ارائه می‌شود. رویکرد قابلیت‌ها می‌تواند آموزش عالی را از طریق تفکر انتقادی، آموزش لیبرال و توجه به تنوع اصلاح کند [۲۱]. این مقاله بسیار ارزشمند به یافته‌های یکی از نظریه‌پردازان این حوزه در بحث رویکرد قابلیت و آموزش عالی استناد کرده و آن را ملاک عمل قرار می‌دهد.

«تشکیل یک خط مشی برابری جنسیت در آموزش عالی: چه قابلیت‌های انسانی‌ای مهم هستند؟» عنوان مقاله‌ای است که لوتز و واکر در سال ۲۰۱۵ در آن به عدم یک خط مشی ملی برابری جنسیت برای آموزش عالی در آفریقای جنوبی

فرامطالعه به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام‌شده در یک حوزه خاص می‌پردازد [۳۵]. فرامطالعه^۱ از چهار روش فراتحلیل^۲، فراترکیب^۳، فرانظریه^۴ و فراروش^۵ تشکیل شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با رویکرد فراترکیب انجام می‌شود. فراترکیب روشی کیفی برای ایجاد دانش و تفسیر نتایج از مطالعات پیشین است [۳۶، ۳۸]. استراتژی فراترکیب رویکردی جامع و هدفمند به تحلیل مطالعات کیفی مشابه است که محقق را در انتخاب، ارزیابی، جمع‌بندی و ترکیب تفسیرگونه یافته‌های این مطالعات در جهت پاسخگویی به سؤال پژوهش یاری می‌نماید [۳۹]. در این رویکرد در مطالعات گذشته بازنگری دقیق و عمیق انجام می‌شود. نمونه موردنظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود [۴۰]. فرایند هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو در انجام فراترکیب عبارتند از:



شکل ۱) گام‌های فراترکیب براساس روش هفت مرحله‌ای (سندلوسکی و باروسو)

عاملیت را برای تمام دانشجویان در پی خواهد داشت [۳۳]. این مقاله به بحث عدالت در آموزش عالی از نگاه رویکرد قابلیت‌ها می‌پردازد. عدالت آموزشی صرفاً یکی از مؤلفه‌هایی است که باید در تمام فرایندهای مرتبط با آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که فراترکیب دو رویکرد کلی یکپارچه‌کننده و تفسیری را دنبال می‌کند، در این پژوهش از رویکرد یکپارچه‌کننده (رویکرد یکپارچه‌کننده بر جمع‌آوری و انسجام پژوهش‌های گذشته تأکید می‌کند؛ به طوری که مشابهت‌های نتایج پژوهش‌های گذشته شناسایی و بر اساس متغیرهایی که اعتمادپذیری زیادی دارند یکپارچه می‌شود؛ لذا امکان تعمیم‌پذیری نتایج را فراهم می‌کند) استفاده شده است. با بررسی مقالات در حوزه دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی، لزوم کل‌نگری و بافت‌سازی از یافته‌های این پژوهش‌ها، ضروری به نظر می‌رسد زیرا این پژوهش‌ها، موضوع مدنظر پژوهش حاضر را از زوایای مختلفی بررسی کرده و هر پژوهشگر از دیدگاه خود یا در برخی موارد، استناد به دیدگاه دیگران به واکاوی این دلالت‌ها پرداخته است. از دیگر سو، فراترکیب به مثابه ابزار تحقق انسجام و یکپارچگی در علوم مختلف مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌های دیگر به کار می‌رود. این روش با ابنا بر خصوصیت انباشت دانش به دنبال بازتعریف و نظام‌مند کردن یافته‌ها است. از این رو، پژوهش حاضر با دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی پژوهش‌های گذشته در محدوده مورد نظر، به این پرسش پاسخ می‌دهد که پژوهش‌های گذشته چه مفاهیمی از رویکرد قابلیت را در آموزش عالی شناسایی کرده‌اند.

۴- روش‌شناسی

از مهم‌ترین روش‌های بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی پژوهش‌های گذشته، می‌توان به فرامطالعه اشاره کرد [۳۴].

¹Meta-Study
²Meta-Analysis
³Meta-Synthesis
⁴Meta-Theory
⁵Meta-Method

۴-۴ مرحله چهارم: استخراج اطلاعات متون

در سراسر فراترکیب، پژوهشگر به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را به منظور دستیابی به یافته‌ها، چندین بار مرور می‌کند. به عبارت دیگر، استخراج اطلاعات هریک از ۱۲ مقاله نهایی و بررسی نتایج حاصل از آن در این مرحله انجام می‌شود. در جدول ۳، عنوان ۱۲ مقاله، اطلاعات پدیدآورندگان، سال انتشار، پرسش پژوهش و یافته کلیدی آن آورده شده است.

جدول ۱) فهرست پایگاه‌های علمی الکترونیکی فارسی و کلیدواژگان

کلیدواژه	نام پایگاه علمی الکترونیکی
- رویکرد قابلیت	- سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران
- رویکرد قابلیت‌ها	- بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)
- قابلیت انسانی	- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- قابلیت‌های انسانی	- مجلات تخصصی نور
	- جویشگر علمی فارسی علم‌نت
	- سیویلیکا

جدول ۲) فهرست پایگاه‌های علمی الکترونیکی انگلیسی و کلیدواژگان

کلیدواژه	نام پایگاه علمی الکترونیکی
Science Direct	Human Capability Human Capabilities Capability Approach Capabilities Approach
ProQuest	
Scopus	
Sage	
Wiley	
Taylor & Francis	
JSTOR	
Cambridge	
Emerald	
Springer	

۴-۱ مرحله اول: طرح سؤال پژوهش

نخستین پرسش برای شروع فراترکیب، «چه چیزی» است. این پژوهش، یک پرسش اصلی را دنبال می‌کند: «دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی کدامند؟»

۴-۲ مرحله دوم: بررسی نظام‌مند ادبیات

در این مرحله، پژوهشگر به جستجوی نظام‌مند مقالات منتشر شده در مجلات علمی مختلف می‌پردازد. باید توجه داشت در انتخاب واژه‌های جست و جو دقت کافی به کارگرفته و از ترکیب واژه‌ها نیز استفاده شود. برای انجام این پژوهش، ۱۰ پایگاه علمی الکترونیکی انگلیسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۲ و شش پایگاه الکترونیکی فارسی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفتند. کلیدواژه‌ها به صورت مجزا در پایگاه‌های علمی مورد نظر در عناوین مقالات جستجو شدند که عناوین آن‌ها در جداول ۲ و ۳ قابل مشاهده است.

۴-۳ مرحله سوم: جستجو و انتخاب متون متناسب

در این گام، در هر بازینی تعدادی از مقالات با استفاده از روش ارزیابی کسپ^۱ (برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی - شکل ۲) رد می‌شود، و این مقاله‌ها در فرایند فراترکیب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. در این پژوهش، فرایند بازینی به صورت خلاصه در شکل دو آورده شده است. در فرایند ارزیابی، از میان جستجوهای انجام‌شده تعداد ۱۹۴۵ مقاله یافت شد که در این بین تعداد ۱۸۶۴ مقاله با توجه به عدم ارتباط موضوعی با چارچوب مقاله یا همپوشانی و تکراری بودن رد شدند. پس از حذف این موارد، تعداد ۸۱ چکیده با توجه به سؤال پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. چکیده‌های رد شده تعداد ۶۷ مورد بودند که در نهایت محتوای ۱۴ مقاله بررسی و از این میان ۱۲ مقاله به عنوان مقالات نهایی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات باقی ماند.

^۱ Critical Appraisal Skills Program

۵-۴ مرحله پنجم: تجزیه، تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

هدف فراترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از یافته‌ها می‌باشد. در طول تجزیه و تحلیل، پژوهشگر موضوعاتی را جستجو می‌کند که در میان مطالعه‌های موجود در فراترکیب پدیدار شده‌اند. این مورد به عنوان بررسی موضوعی شناخته می‌شود. به محض اینکه موضوعات شناسایی و مشخص شدند، بررسی‌کننده یک طبقه‌بندی را شکل می‌دهد و طبقه‌بندی‌های مشابه و مربوط را در موضوعی قرار می‌دهد که آن را به بهترین گونه توصیف می‌کند. موضوعات اساسی و پایه‌ای را برای ایجاد توضیحات، مدل‌ها و تئوری‌ها یا فرضیات کاری ارائه می‌دهند. در این پژوهش نیز، پس از استخراج مفاهیم مورد نظر سؤال پژوهش، موضوعات مستخرج در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شده تا به این ترتیب مفاهیم پژوهش شکل داده شود.

۶-۴ مرحله ششم: کنترل کیفیت

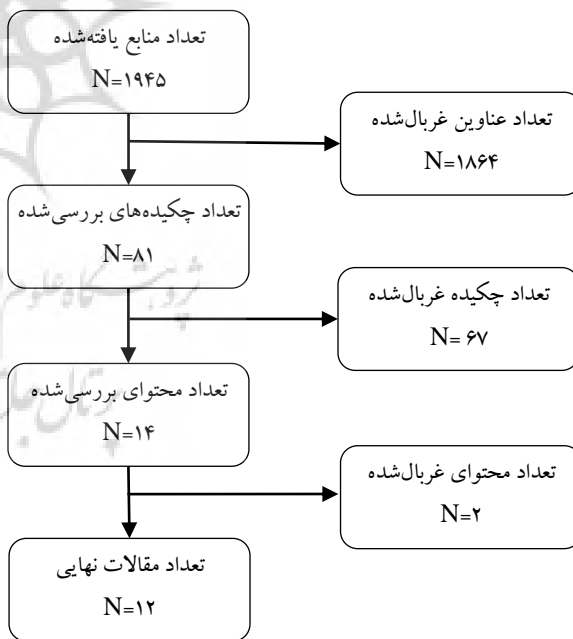
در روش فراترکیب پژوهشگر رویه‌هایی را برای حفظ کیفیت در مطالعه خود در نظر می‌گیرد. در سراسر تحقیق، پژوهشگر تلاش می‌کند تا با فراهم کردن توضیحات روشن و واضح برای گزینه‌های موجود در پژوهش، گام‌های اتخاذ شده را بردارد و از روش‌های کنترل کیفیت به کار برده شده در مطالعه پژوهش‌های کیفی استفاده کند. بر این اساس، تیمی برگرفته از ۵ نفر خبره و متخصص در این حوزه خروجی پژوهش را تأیید کردند. همچنین، اعتبار روش فراترکیب با استفاده از نظر خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. برای این منظور، نتایج در اختیار دو نفر خبره که از نحوه دسته‌بندی انجام شده اطلاعی نداشتند قرار داده شد و براساس توافقات و عدم توافقات، قابلیت اعتماد با محاسبه ضریب کاپا^۱ برابر ۰.۶۸۴ محاسبه شد که بیانگر سطح توافقی معتبر است.

۷-۴ مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

در فراترکیب، پژوهشگر، پاسخ به پرسش پژوهش را براساس نتایج پژوهش‌های مرتبط استخراج می‌کند. با بررسی ۱۲ مقاله نهایی، استخراج مفاهیم مهم آن‌ها و طبقه‌بندی یافته‌ها، در نهایت یافته‌های پژوهش در قالب چهار طبقه اصلی دسته‌بندی شدند.

۵- یافته‌های پژوهش

با توجه به دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی و دسته‌بندی یافته‌های مطالعات پیشین، تمامی مفاهیمی که پژوهشگران مورد توجه قرار داده‌اند استخراج شده و در قالب جدول ۴، ذیل چهار مقوله‌ی قابلیت‌های زمینه‌ای، قابلیت‌های رفتاری، قابلیت‌های آموزشی و قابلیت‌های اقتصادی-رفاهی منتج شد.



شکل ۲) شیوه غربال‌گری مقالات براساس کسپ

^۱ هنگامی که ضریب کاپا کمتر از ۰.۲ باشد بیانگر توافق ضعیف، بین ۰.۲ تا ۰.۴ متوسط، ۰.۴ تا ۰.۶ نسبتاً زیاد، ۰.۶ تا ۰.۸ زیاد و بیشتر از ۰.۸ تقریباً کامل است.

جدول ۳) مقالات منتخب

پژوهشگران	عنوان پژوهش	پرسش پژوهش	یافته کلیدی
ترز [۲۷]	قابلیت برای آموزش دیدن	مفاهیمی از قابلیت که آموزش دیدن را ممکن می‌کنند کدامند؟	عدم وجود برخی قابلیت‌ها، ممکن است به افراد آسیب برساند و هیچ‌یک از قابلیت‌ها ضرورتاً نمی‌تواند به نفع دیگری تقلیل یابد.
واکر [۲۸]	فنون آموزگاری آموزش عالی	قابلیت‌های اساسی آموزش عالی کدامند؟	آموزش عالی، نقشه و دانش لازم برای راه‌های جدید درک خود و مشاغل و الگوهای زندگی فارغ‌التحصیلان و رای دانشگاه را فراهم می‌کند. این رویکرد هم فرایندها و هم پیامدهای یادگیری و تعلیم و تربیت را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین ضیق نظریه سرمایه انسانی را که در آن حیات انسان به مثابه ابزاری برای صرفه اقتصادی است، کاملاً به چالش می‌کشد و بر اهمیت مشارکت و توسعه آگاهانه اقدامات و خط‌مشی‌های آموزش عالی تأکید می‌کند.
لوزانو و همکاران [۴]	شایستگی‌های آموزش عالی: تحلیلی انتقادی از دیدگاه رویکرد قابلیت‌ها	پتانسیل رویکرد قابلیت‌ها برای آموزش عالی چیست؟	رویکرد قابلیت‌ها رویکردی یکپارچه‌تر، کلی‌تر و متحولانه‌تر پیرامون محتوای آموزش عالی ارائه می‌کند چرا که با نیازهای زمینه‌ای از پیش تعیین شده مانند آنچه رویکرد شایستگی است محدود نشده است. رویکرد شایستگی به نیازهای تحمیل شده توسط بازار محدود شده است. سهم اصلی رویکرد قابلیت‌ها تأکید آن بر توسعه قابلیت‌های تأملی و نقادانه دانشجویان است. از این منظر، فرایند آموزشی باید به عنوان فرایندی تلقی شود که دانشجویان را در درک و تفسیر نقادانه و معنی دادن به موضوعات کلیدی در جامعه و زندگی‌شان توانمند کند.
واکینگتون و همکاران [۱۹]	رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی: قابلیت‌های جغرافیایی و دلالت‌هایی برای برنامه‌های آموزشی جغرافیا	جغرافیدانان چه راه‌های جدیدی برای درک، تفکر و تبیین به دانشجویان در آموزش عالی معرفی می‌کنند؟	رویکرد قابلیت‌ها با محتوای آموزش عالی به شکلی پایدار پیوند خورده است تا اینکه یک رویکرد تدریجی آسیب‌پذیر باشد. رویکرد قابلیت‌ها پاسخی مقاوم و مولد در برابر تهدیدهایی مثل ضعف‌های مربوط به تعلیم و تربیت در آموزش عالی ارائه می‌دهد.
موتانگا و واکر [۲۹]	به سوی یک سیاست آموزش عالی دربردارنده افراد کم‌توان از طریق رویکرد قابلیت‌ها	شرایط و فرصت‌های لازم برای فراهم کردن آنچه دانشجویان کم‌توان برای آن در آموزش عالی ارزش قائلند کدامند؟	رویکرد قابلیت‌ها توجهات را به ویژگی‌های برجسته نابرابری در آموزش عالی که عدالت اجتماعی را تداوم می‌بخشند جلب می‌کند. علاوه بر این تحلیلی قانع‌کننده از موضوعات ارائه می‌دهد و توصیه‌هایی برای اقدام میسر می‌کند.
سانز و همکاران [۸]	آموزش عالی در مواجهه با فقر از دیدگاه رویکرد قابلیت‌ها: نمونه اسپانیا	موقعیت فعلی فقر در اسپانیا در چارچوب کشورهای اتحادیه اروپا چیست؟ در مورد چه مفهومی از فقر در این مقاله صحبت می‌شود و چه نسبتی با نابرابری دارد؟ آیا فقر یک مسئله اجتماعی بدون یک راه حل ممکن است؟ اگر راه حلی وجود دارد آن‌ها کدامند و چه کسی باید آن‌ها را فراهم کند؟ اگر آموزش عالی می‌تواند به کاهش یا ریشه‌کن کردن فقر کمک کند چه رویکرد نظری ای مناسب است و چه مسیرهایی از تعلیم و تربیت باید توسعه یابد؟	با توجه به شکست اقتصاد مرسوم در ریشه‌کنی فقر، معلمان و دانشجویان آموزش عالی باید از دیگر رویکردهای ارائه شده توسط اقتصاددانان مشهور معاصر که برخی برندگان جایزه نوبل هستند - کسانیکه در جستجوی مرور انتقادی نظریه اقتصاد از زوایای متعدد و با دیدگاه‌های جدید هستند مانند دیدگاه اقتصاد رفاه سن (۲۰۰۰)، اقتصاد کلینیکی ساکس (۲۰۰۵)، رویکردهای استیگلیتز (۲۰۱۵) یا اتکینسون (۲۰۱۶)، که نشان می‌دهند دوام فقر و نابرابری باید در قلب تلاش‌های اصلی اقتصاددانان باشد - استفاده کنند.

دلالت‌های رویکرد قابلیت‌های انسانی در آموزش عالی: رویکرد فراترکیب

پژوهشگران	عنوان پژوهش	پرسش پژوهش	یافته کلیدی
ماهلنگو [۳۰]	بازاندیشی دسترسی و پذیرش دانشجو در آموزش عالی از منظر رویکرد قابلیت‌ها	دسترسی و پذیرش دانشجو در آموزش عالی از منظر رویکرد قابلیت‌ها چگونه است؟	مؤسسات آموزش عالی مسئول تضمین آن هستند که آموزش برای هر متقاضی شایسته که گواهی‌نامه‌های لازم برای پذیرش را دارد قابل دسترس باشد. دسترسی در بستر آموزش عالی، معانی متفاوتی دارد. باید در نظر داشت ارائه ساده دسترسی برابر به منابع مشابه لزوماً به پیامدهای برابر رهنمون نمی‌شود چرا که دانشجویان تفاوت‌های زیادی دارند و توانایی آن‌ها در تبدیل منابع به پیامدهای مطلوب، به ویژگی‌های فردی، شرایط محیطی و اجتماعی آن‌ها بستگی دارد. در مقابل این شرایط، پذیرش دانشجویان باید مؤلفه‌هایی مانند دسترسی پذیری مالی، جغرافیایی، دانشگاهی، فیزیکی و اجتماعی و فرهنگی را دارا باشد.
گور و واکر [۱۸]	مفهوم‌سازی مزایا و معایب در آموزش عالی آفریقای جنوبی از دیدگاه رویکرد قابلیت	آیا استفاده از نژاد به تنهایی در مورد خطاب قرار دادن معایب در آموزش عالی کافی است؟	در حالی که نژاد به عنوان یکی از عوامل برتری دادن/ ندادن دانشجویان است، عوامل تأثیرگذار دیگری وجود دارند که بر این برتری/عدم برتری تأثیر می‌گذارند مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی، سلامت ذهنی و اجتماعی-روانی، مشارکت و اظهار نظر، اظهار نظر خردمندانه و دیگر اشکال ارتباطات. از طریق اتخاذ یک تعریف مبسوط از برتری/عدم برتری، خط مشی‌ها باید توانایی در نظر گرفتن تمام اشکال استثنائات را داشته باشند. برای خط مشی‌های آموزش عالی بهتر است که از تعریف ساده و تک سویه از برتری/عدم برتری در مداخلات به در نظر گرفتن ابعاد متفاوت متضمن آن تغییر جهت دهند.
کمبل و مک‌کندریک [۳۱]	ورای آرزوها: استقرار رویکرد قابلیت برای مواجهه با حضور کم‌رنگ جوانان جوامع محروم در آموزش عالی	دلالت‌های رویکرد قابلیت‌ها در افزایش مشارکت جوانان جوامع محروم در آموزش عالی کدامند؟	رویکرد قابلیت به عنوان ابزاری برای ارزیابی عدم مشارکت جوانان در آموزش عالی و بعد از آن فعالیت می‌کند و درک نقش عاملیت فردی، اثر دیگران و نقش ترتیبات اجتماعی در قابلیت و شکل‌دهی آرزو را ترسیم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد جوانان انگیزه زیادی دارند و در قابلیت‌هایشان مطمئن هستند و این موضوع، فضای سیاسی اخیر را که بر افزایش انگیزه‌ها تمرکز می‌کند به چالش می‌کشد.
الخیاط [۲۱]	رویکرد قابلیت‌ها: جایگزین آینده آموزش عالی نئولیبرال در منطقه منا	آیا دستیابی به قابلیت‌ها در آموزش عالی در منطقه منا امکان‌پذیر است؟	رویکرد قابلیت سنجه‌های مناسبی برای نیازهای آموزش عالی در منطقه بدلیل ابداع فنون تعلیم جدید ناشی از یک چارچوب نظری جاگزین چارچوب‌های نئولیبرال در معرض نمایش قرار می‌دهد.
لوتز و واکر [۳۲]	تشکیل یک خط مشی برابری جنسیت در آموزش عالی: چه قابلیت‌های انسانی‌ای مهم هستند؟	مردان و زنان به چه کارکردهایی در آموزش عالی برای برابری جنسیتی ارزش می‌گذارند؟ قابلیت‌های مورد نیاز برای درک این کارکردهای ارزشمند کدامند؟ مؤلفه‌های مداخله‌گری که بر توانایی‌های عملیاتی افراد تأثیر خواهند گذاشت چگونه انتخاب می‌شوند؟	برابری جنسیت براساس رویکرد قابلیت به ترتیبات اجتماعی اشاره می‌کند که باید تغییر شکل دهند تا آزادی‌ها و فرصت‌های مرتبط با توسعه برای دانشجویان و زنان بویژه، گسترش یابد به این منظور که عاملیت فعال و توانمندسازی آنان را فراهم کند. در این رویکرد ارقام برابر صرفاً یک جنبه از مبنای اطلاعاتی قضاوت‌های مربوط به عدالت است. تمرکز این رویکرد بر قابلیت‌ها یا آزادی‌های فردی، انتخاب وجودها و کردارهای (عملکردها) باارزش که با داشتن قابلیت‌های زیربنایی ممکن می‌شوند و توانایی تبدیل قابلیت‌ها به عملکردها است.
مهدی و همکاران [۳۳]	رویکرد قابلیت و عدالت در آموزش عالی: فراترکیب قابلیت‌های دانشجویان	قابلیت‌های اساسی شناسایی شده توسط این پژوهش‌ها کدامند و چه تعریفی دارند؟ عوامل تبدیلی برای تحقق قابلیت‌های اساسی دانشجویان کدامند؟ منابع مورد نیاز برای شکل‌گیری قابلیت‌های اساسی کدامند؟	رویکرد قابلیت بر اندیشه‌های آمارتیا سن متکی است و عدالت آموزشی بر مبنای آن بیان می‌دارد که سامانه‌های اجتماعی باید به گسترش آزادی‌ها و فرصت‌های لازم برای توسعه دانشجویان منجر شوند و عاملیت فعال و توانمندسازی آن‌ها را در پی داشته باشند. در رویکرد قابلیت با تأکید بر توسعه انسانی، عاملیت، رفاه و آزادی می‌شود، به عنوان بدیل نیرومندی در برابر تفسیرهای نظریه سرمایه انسانی که آموزش فقط از زاویه بهره‌وری اقتصادی و اشتغال مطالعه می‌شود، محل توجه را بر بودن‌ها و انجام‌دادن‌هایی معطوف می‌دارد که آموزش ما را بدان قادر می‌سازد.

جدول ۴) دسته‌بندی مفاهیم پیونددهنده دلالت‌های رویکرد قابلیت در آموزش عالی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	منابع	
قابلیت‌های زمینه‌ای	قابلیت تأثیرگذاری	قابلیت تأثیرگذاری	گور و واکر [18]، لوتز و واکر [32]، ترزوی [27]، ملانی واکر [28]، موتانگا و واکر [29]، کمبل و مک‌کندریک [31]، لوزانو و همکاران [4]، مهدی و همکاران [33]	
	استقلال، مشارکت و جامعه‌جویی	استقلال و مشارکت		استقلال و مشارکت
		جامعه‌جویی		آزادی اظهارنظر، مشارکت و حضور
				جامعه‌جویی و مشارکت
				داشتن صدا
	ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی	ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی		ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی (۴) ^۱
				وابستگی و ارتباطات
				همبستگی
				شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی)
	انسجام عاطفی	انسجام عاطفی		یکپارچگی عاطفی و احساسات (۲)
				انسجام عاطفی
	سلامت و ایمنی	سلامت و ایمنی		تمامیت جسمانی (۳)
				ایمنی و انسجام جسمانی
				سلامت ذهنی و سلامت روانی-اجتماعی
امنیت و سلامت فردی				
قابلیت زبان	قابلیت زبان	زبان رسمی آموزش		
		شایستگی زبانی		
قدرت و حقوق سیاسی	قدرت و حقوق سیاسی	قدرت و حقوق سیاسی		
تاب‌آوری آموزشی	تاب‌آوری آموزشی	تاب‌آوری آموزشی (۵)		
تمایل به یادگیری	تمایل به یادگیری	تمایلات یادگیری (۳)		
		آمادگی یادگیری		
داشتن آرزو و انگیزه	داشتن آرزو و انگیزه	آرزو و انگیزه		
		داشتن آرزو		
قابلیت‌های آموزشی	استدلال عملی و تفکر انتقادی	استدلال عملی (۴)	کمبل و مک‌کندریک [31]، ملانی واکر [28]، گور و واکر [18]، الخیاط [21]، واکینگتون و	
		رشد عقلانی		
		تفکر انتقادی و تصمیم منطقی		
	نگاه یکپارچه و جامع‌نگر	تفکر یکپارچه در مورد جامعه و محیط		
		تخیل جغرافیایی		
		کشف ساختار یافته از مکان		
تفکر فضایی	تفکر فضایی			

^۱ درج اعداد در کنار برخی مفاهیم، به معنی آن است که آن مفهوم عیناً در سایر منابع تکرار شده است.

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	منابع
	دانش	سواد	همکاران [19]، ترزی [27]، لوتز و واکر [32]، سانز و همکاران [8]، موتانگا و واکر [29]، مهدی و همکاران [33]
		دانش و آموزش	
		علم و فناوری	
		مهارت محاسبه	
		آموزش لیبرال علوم انسانی و هنر	
		آموزش فنی و تخصصی	
	اخلاق‌مداری	آموزش در مسیر جامعه شایسته مطابق با منزلت انسانی و عدالت اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی	
		اخلاق‌مداری	
	دانش و تخیل	دانش و تخیل (۳)	
قابلیت‌های رفتاری	احترام به تنوع	توجه و احترام به تنوع	الخیاط [21]، موتانگا و واکر [29]، لوزانو و همکاران [4]، ماهلنگو [30]، ملانی واکر [28]، کمبل و مک‌کندریک [31]، لوتز و واکر [32]، مهدی و همکاران [33]
		توجه به وضعیت اقتصادی-اجتماعی	
		توانایی جابجایی برای معلولان	
		آزادی مذهب	
		در نظر گرفتن رضایت فردی و جهت‌گیری ارزشی	
		توجه به هویت واقعی و نه شناسایی با محدودیت‌ها	
		در نظر گرفتن ناتوانی و محدودیت‌ها	
		پیش‌زمینه‌های نژادی و قومی	
	احترام و منزلت	عدم استناد به خرافه‌ها	
		احترام منزلت و به رسمیت شناسی (۳)	
		احترام و کرامت	
		منزلت و احترام	
قابلیت‌های رفتاری - اقتصادی	منابع اقتصادی	ثبات اقتصادی	گور و واکر [18]، لوزانو و همکاران [4]، ترزی [27]
		منابع و موقعیت اقتصادی	
	مسکن	مسکن و زیرساخت	
		فعالیت‌های فرهنگی و فراغت	
	منابع فرهنگی	فعالیت‌های فیزیکی مانند ورزش	
		منابع فکری	

۶- نتیجه‌گیری

رویکرد قابلیت‌ها، چارچوبی هنجاری است که معتقد است رفاه افراد به آزادی‌ها یا قابلیت‌های موجود برای آن‌ها و توانایی و انتخاب آن‌ها برای استفاده از این قابلیت‌ها (عاملیت خود) به منظور زیست زندگی‌ای که برایشان ارزشمند است (کارکردهای محقق شده آن‌ها) بستگی دارد. مهم‌ترین کمک رویکرد قابلیت‌ها، تأکید آن بر توسعه قابلیت‌های متفکرانه و انتقادی دانشوران است. از این منظر، فرایند آموزشی باید به عنوان فرایندی که دانشوران را به درک، تفسیر و معنابخشیدن به موضوعات مهم زندگی و جامعه خود به صورت نقادانه توانمند می‌کند تصور شود. رویکرد قابلیت مفهوم وسیعی از یادگیری و آموزش را به عنوان یک روش زندگی و نه فقط یک شغل ترویج می‌کند. یکی از مهم‌ترین کمک‌های رویکرد قابلیت‌ها در فرایند تعریف محتوای آموزشی خود را نشان می‌دهد. این رویکرد، فرایندی جامع و مشارکتی که در آن همه صداها (دانشوران، معلمان، مدیران و پرسنل دانشگاه، سیاستمداران و جامعه به صورت کلی) تحت اصول انصاف و تنوع شنیده شوند را پیشنهاد می‌دهد. بنابراین پیشنهاد کلی باید مطابق با نیازها، ملاحظات و ویژگی‌های زمینه‌های خاصی که آموزش در آن اتفاق می‌افتد بازتفسیر شود. همچنین رویکرد قابلیت‌ها از ما می‌خواهد فراتر از قابلیت بکارگیری و استخدام به عنوان هدف آموزش عالی - بدون آنکه آن را دست کم بگیریم - پیش رویم. به زعم این رویکرد، بکارگیری فارغ‌التحصیلان در اقدامات سیاسی، اجتماعی و توسعه فردی خود نباید در سایه دیگر اهداف قرار گیرد. اغلب مقالات در حوزه رویکرد قابلیت‌ها در آموزش عالی با استناد به ویژگی‌های این رویکرد شامل نظرات آمارتیا سن و لیست‌های نظریه‌پردازان بعدی داده‌ها و اطلاعات خود را استخراج کرده‌اند. به دیگر سخن، کارکرد رویکرد قابلیت‌ها به مثابه چارچوبی تحلیلی برای معرفی سبکی از رفاه و عاملیت، حول موضوعات متنوع در این پژوهش‌ها بوده است. همه این پژوهش‌ها به نوعی به لیست قابلیت‌ها در حوزه مد نظر خود اضافه کرده‌اند. در ادامه به تشریح هر یک از مقوله‌های شناسایی شده می‌پردازیم. باید در نظر داشت مؤلفه‌های زیرمجموعه این مقوله‌ها در هم تنیده هستند و برخی از آن‌ها مرزهای باریکی با یکدیگر دارند.

۱-۶- قابلیت‌های زمینه‌ای

قابلیت‌های زمینه‌ای به فرصت‌هایی اطلاق می‌شود که نظام آموزش عالی باید آن‌ها را به عنوان پیش‌فرض در محیط آموزشی برای دانشوران فراهم کرده یا مهارت پیرامون آن را آموزش دهد. یک دانشور باید قابلیت و توانایی تمرکز، دنبال کردن علایق، تکمیل وظایف و تحقیق، تمایل به داشتن کنجکاوی و اشتیاق به یادگیری، اعتماد بنفس داشتن در توانایی در یادگیری و همینطور درک، خوانش، نوشتن و صحبت کردن با اعتماد بنفس به زبان انگلیسی، یک پرسشگر فعال بودن را کسب کند.

امنیت و آزادی در همه اشکال - آزار زبانی و فیزیکی - در محیط آموزش عالی برای او تأمین شود. امنیت کلی محل آموزش نسبت به هرگونه آزار و خشونت و عمل مجرمانه مانند دزدی و سرقت تا آزادی جابجایی و حضور در محوطه نیز از این دسته است. توانایی هدایت مطالعه، کار و زندگی، توانایی ریسک‌پذیری، توانایی پشتکار علمی، توانایی واکنش نشان دادن به فرصت‌های آموزشی و سازگاری با محدودیت‌ها، خوداتکایی و داشتن اشتیاق و امید برای یک آینده خوب از جمله قابلیت‌هایی است که یک دانشور باید داشته باشد. آنچه بیش از همه در این دسته قابلیت، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است ایجاد فرصت مشارکت و آزادی اظهار نظر برای دانشجویان. فرد باید فرصت ایجاد ارتباط با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بدون خجالت و شرمندگی را داشته باشد. توانایی مشارکت در یک گروه برای یادگیری یا به عبارت دیگر کارکردن با دیگران برای حل مسائل و وظایف و تشکیل گروه‌های مؤثر و خوب به منظور یادگیری مشارکتی، توانایی تشکیل شبکه‌های دوستی و احساس تعلق به یادگیری و لذت و اعتماد متقابل، توانایی توسعه احساسات برای تخیل، درک، همدلی، آگاهی و بصیرت نیز در این دسته قرار می‌گیرند. فرد نباید تحت تأثیر اضطراب یا ترس که یادگیری را تقلیل می‌دهد قرار داشته باشد. تصمیمات مستقلانه برای زندگی فردی، بخشی از آزادی‌های افراد در تعیین آنچه می‌خواهند باشند است. بنابراین، فرصت مستقل بودن، توانایی گرفتن تصمیمات مهم و فرصت مشارکت در فرایند یادگیری باید برای آن‌ها فراهم شود.

بعد وابستگی شامل روابط اجتماعی، احترام و منزلت می

مشارکت در جهان، آزاداندیشی، حساسیت نسبت به اهمیت مکان و فضا، منظره و طبیعت در تشکیل و هدایت زندگی روی زمین از جمله مؤلفه‌های لازم جهت تحقق قابلیت‌های آموزشی است.

دانشوران باید به صورت شایسته‌ای هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ تخصصی تربیت شوند تا به عنوان کنشگرانی پایدار در اجتماع ظاهر شوند. این آموزش‌ها باید دانشوران را در مسیر ارزش‌ها، دانش و گرایشاتی مربوط به مفهوم جامعه شایسته مطابق با منزلت انسانی و عدالت اجتماعی بنیادی هم در سطح ملی و هم بین‌المللی سوق دهد.

نکته جالب توجه در این بعد قابلیت، توجه به هنر و نقش آن در پیشرفت قابلیت‌های افراد است. هنر، خلاقیت را افزایش داده و آن را تغذیه می‌کند. قوه تخیل که یکی دیگر از قابلیت‌های لازم در جهت تحقق اهداف غایی آموزش عالی است به وسیله آموزش لیبرال در قالب موضوع هنر و علوم انسانی بیشتر تقویت می‌شود. زمانی که به دانشجویان علوم انسانی تدریس می‌شود توانایی آن‌ها برای تفکر تهییج می‌شود. دانشوران باید سبک مناسب تفکر را به کار گیرند. آن‌ها باید بدانند چرا از یک فرقه حمایت می‌کنند و در مقابل دیگری می‌ایستند. بنابراین قابلیت‌های مربوط به آزادی‌های دانشجویان برای دستیابی به دانش که به توانایی آن‌ها برای یادگیری و تفکر نقادانه، تاب‌آوری آموزشی و روش‌هایی که برای تصمیم‌گیری برای موضوعاتی که بر زندگی آن‌ها قبل، بعد و در طول دانشگاه تأثیر می‌گذارد بستگی دارد باید آموزش داده شود. از این حیث، هم عاملیت و هم رشد عقلانی نیز تقویت می‌شود. بعد عقلانی ارزشمند است چرا که قابلیت‌های گوناگونی که برای ارزیابی فرصت‌های دانشجویان در جهت دستیابی به اشکال مختلف دانش حرفه‌ای و موضوعی، توانایی دانشجویان در گرفتن تصمیمات منطقی درباره آینده خود، داشتن مهارت و علاقمندی به یادگیری و هدایت مستقل پژوهش و در نهایت تفکر نقادانه درباره دانشی که در کلاس‌ها و زندگی روزمره با آن مواجه می‌شوند مورد استفاده قرار می‌دهند را پیوند می‌دهد. در زمینه آموزش عالی، رشد عقلانی توانایی دانشجویان برای انعکاس و ارتقای زندگی‌شان از طریق تصمیمات مستدل و نقادانه را شامل می‌شود. بعد عقلانی همچنین شامل استعداد یادگیری است،

شود. این قابلیت به توانایی دانشجویان برای تشکیل شبکه‌های اجتماعی با مربیان و راهبران خود به منظور حمایت اشاره می‌کند. از ابعاد دیگر مشارکت، ایجاد حس تعلق به دانشگاه است که جزو مؤلفه‌های ضروری وابستگی و ارتباط قرار می‌گیرد. این بعد روش‌های رفتاری دانشجویان با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد و اینکه پرسنل دانشگاهی چگونه صرفنظر از جنسیت، قومیت، مذهب، نژاد و زبان آن‌ها را مشاهده می‌کنند.

سلامت ذهنی و روانی-اجتماعی در تعیین توانایی افراد برای انجام چیزهایی که برای آن‌ها ارزشمند است ضروری است. ترس و اضطراب آزادی دانشجویان را در یادگیری و مشارکت در فعالیت‌های دانشگاه تقلیل می‌دهد. نبود سلامت ذهنی و روانی-اجتماعی به توانایی دانشجویان در یادگیری خوب جدا از ترس‌های بی‌مورد و فرعی لطمه می‌زند. این بعد بر توانایی دانشجویان برای داشتن زندگی‌ای عاری از فشارهای اجتماعی، مالی و دانشگاهی تأکید می‌کند و برای ارزیابی اینکه آیا دانشجویان رفاه ذهنی و آزادی احساسی برای تمرکز بر مطالعاتشان را دارند یا خیر ضروری است.

۲-۶-۱ قابلیت‌های آموزشی

قابلیت‌های آموزشی از جمله قابلیت‌های بنیادین در کنار سایر قابلیت‌های دانشوران محسوب می‌شود. این دسته از قابلیت‌ها را هم می‌توان در برنامه محتوای آموزشی دانشگاه‌ها و هم از طریق آموزش مهارت توسعه داد. از منظر رویکرد قابلیت‌ها، دانشور باید توانایی خواندن، نوشتن، استفاده از زبان، توانایی محاسبه، اندازه‌گیری، حل سؤالات ریاضی و استفاده از کارکردهای استدلال منطقی، توانایی درک پدیده‌های طبیعی، کسب دانش در فناوری و استفاده از ابزارهای فناورانه از یکسو و توانایی انجام انتخاب‌های مستدل، آگاهانه، نقادانه، مستقل و از نظر فکری دقیق و به لحاظ اجتماعی مسئولانه و قابل تأمل را از سوی دیگر کسب کند. توانایی برنامه‌ریزی برای پروژه زندگی فردی در وضعیت نامطمئن، داشتن قوه تشخیص، توانایی به دست آوردن اطلاعات و دانش در مورد یک موضوع مشخص، توانایی استفاده از تخیل و تفکر انتقادی به منظور درک دیدگاه‌های متعدد دیگران و حقیقی، توانایی کسب دانش برای توسعه فردی و لذت، فرصت‌های اقتصادی و شغلی، فعالیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و

قابلیت‌های رفاهی - اقتصادی باشد. ناپایداری‌های اقتصادی، مشکلات ناشی از عدم دسترسی به مسکن و نبود زیرساخت‌های لازم جهت تأمین نیازهای مربوط به محل زندگی، عدم وجود منابع مالی و درآمدهای لازم بر حق انتخاب دانشجویان در ورود به آموزش عالی در درجه اول و سپس انتخاب از میان فرصت‌های بالقوه تأثیرگذار است. ثبات اقتصادی ارزشمند است چرا که سایر قابلیت‌ها را نیز توانمند می‌کند. داشتن منابع مالی شرطی حیاتی برای دیگر قابلیت‌هاست. این ثبات اقتصادی از دو طریق دیده می‌شود: اوضاع مالی دانشجویان و تمرکز بر منافع اقتصادی که دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی انتظار است به دست بیاورند.

از دیگر ابعاد مربوط، می‌توان به منابع فکری، در اختیار قرار داشتن امکانات رفاهی و تفریحی مانند امکانات ورزشی، فرهنگی و... به منظور ارزشگذاری به اوقات فراغت دانشجویان اشاره کرد.

تأثیر رویکرد قابلیت در آموزش عالی قابل چشم‌پوشی نیست. این رویکرد با نگاهی جامع‌نگر با در نظر گرفتن ورودی‌ها، فرایند و خروجی‌ها- در اینجا آموزش عالی - سعی می‌کند مجموعه قابلیت‌های بالقوه را شناسایی کند و چارچوبی هنجاری از چگونگی تبدیل ورودی‌ها به کارکردهای محقق شده ترسیم نماید. در این مسیر حسب یافته‌های پژوهش، دلالت‌های سیاستی زیر می‌تواند مؤثر باشد:

-توصیه می‌شود در بخش خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی، نهادهای خط‌مشی‌گذار، رویه‌ها و قوانینی را پایه‌گذاری کنند که نظام آموزش عالی هر چه بهتر و بیشتر، نیروهای منطبق با مهارت‌های مورد نیاز جامعه و بازار کار را فراهم کند.

-آموزش عالی کلید آینده افراد و ملت‌هاست. بنابراین کیفیت وجود نهادهای مناسب، بویژه در دنیای پرقابله امروز بسیار حیاتی است. نهادهایی که بتوانند با بهره‌گیری از دانش نو و پیشرفته، آموزش عالی را در مسیر توسعه رهنمون کنند. بدیهی است کیفیت آموزش عالی در آموزش، پژوهش و خدمات مرتبط، رقابت‌پذیری بین‌المللی را نیز در پی خواهد داشت.

-رویکرد، ساختار و محتوای نظام آموزش عالی باید براساس رویکردهای نو به آموزش عالی خود را بازبانی و بازطراحی کند. رویکرد قابلیت علی‌رغم اینکه به شکلی خیلی ساده

که به کنجکاوی و گرایش دانشجویان برای یادگیری و در نقطه مقابل، صرف‌نظر کردن، در زمانی که میل آن‌ها برای یادگیری پایین است، برمی‌گردد.

۳-۶ قابلیت‌های رفتاری

قابلیت‌های آموزش عالی علاوه بر قابلیت‌های زمینه‌ای و آموزشی، از جنبه رفتاری نیز قابل بررسی است. قابلیت‌های رفتاری به آن‌هایی اطلاق می‌شود که نظام آموزش عالی و در برخی موارد دانشجویان باید در تعاملات خود، آن‌ها را رعایت کنند. قابلیت‌هایی مانند احترام، منزلت و به رسمیت شناسی که به معنای توانایی حفظ احترام به خود و دیگران و کسب احترام از دیگران، مورد منزلت قرار گرفتن، نه ناچیز و بی ارزش شمرده شدن به دلیل جنسیت، طبقه اجتماعی، نژاد یا مذهب، ارزش‌گذاری به دیگر مذاهب و اقدامات معنوی و تنوع انسانی از این دسته هستند. توانایی انجام فعالیت همه‌جانبه و پاسخ به نیازهای انسانی، شایستگی در ارتباطات بین فرهنگی، توانایی همدلی و همدردی، انصاف و سخاوت، گوش سپردن و مورد توجه قرار دادن دیدگاه‌های افراد در گفتگو و بحث، حق مشارکت مؤثر در یادگیری، آزادی بیان برای بحث و اقناع و گوش دادن از جمله مواردی است که باید به صورت بالقوه برای دانشجویان مد نظر قرار گیرد. هویت دانشجویان باید بدون توجه به محدودیت‌ها و ناتوانی‌ها مورد احترام قرار گیرد. فرهنگ‌های غلط مانند باورهایی که در مورد معلولین وجود دارد نباید بر توانایی و واقعی و فرصت‌های بالقوه برای آن‌ها تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر آن‌ها باید با توانایی‌ها و نه با معلولیت‌ها و ناتوانی‌های ظاهری شناسایی شوند. فرهنگ گفتگو برای تقویت این زمینه از قابلیت‌ها و درک تفاوت‌های میان فرهنگ‌های مختلف- که تفاوت‌های میان فرهنگ‌ها و تفاوت‌های درون فرهنگ‌ها را شامل می‌شود-حائز اهمیت است.

در همین زمینه، باید به وضعیت اجتماعی- اقتصادی دانشجویان، پیش‌زمینه‌های نژادی و قومی، رضایت فردی و جهت‌گیری ارزشی آن‌ها، و به صورت کلی به تنوع توجه شده و احترام گذاشته شود.

۴-۶ قابلیت‌های رفاهی-اقتصادی

شاید یکی از عمده‌ترین و تأثیرگذارترین دلایل وجود محدودیت در ورود به آموزش عالی عدم یا محدودیت در

تعارض منافع

نویسندگان تعهد می‌کنند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته است.

References

- [1] Abbasi, T., Danaee Fard, H., Azar, A., & Alvani, S. M. (2010). **Explaining Policy Change using Kingdon's Multiple Streams, the law of the Duties and Organization of Iran's Ministry of Science, Research and Technology.** *Journal of Science and Technology Policy*, 3(1), 82-98. DOR: 20.1001.1.20080840.1389.3.1.7.7. {In Persian}.
- [2] Isna. (2023). **Graduates of which fields have the highest and lowest chances of employment?** *B2n.ir/t80401*. Visited on 16-Des-2023. {In Persian}.
- [3] Donya-e-Eqtasad. (2023). **A different narrative of the employment market.** *B2n.ir/s40086*. Visited on 16-Des-2023. {In Persian}.
- [4] Lozano, J.F. Boni, A, Peris, J. & Hueso, A. (2012). **Competencies in Higher Education: A Critical Analysis from the Capabilities Approach.** *Journal of Philosophy of Education, Vol. 46, No. 1*. DOI: https://doi.org/10.1111/j.1467_9752.2011.00839.x [5]
- Nussbaum, M. C. (2010). **Not for profit: Why democracy needs the humanities.** *New Jersey: Princeton University Press*.
- [6] Sarojini Hart, C. (2015). **The Capability Approach and Educational Research.** In: C. Sarojini Hart, M. Biggeri, & B. Babic, *Agency and Participation in Childhood and Youth: International Applications of the capability Approach in Schools and Beyond* (pp.17-43). *London: Bloomsbury Publication Plc*.
- [7] Bagheri, A., & Karimov, M. (2013). **A Critical Analysis on Historical Process of Higher Education in Iran.** *Sociological Cultural Studies*, 4(1), 23-57. {In Persian}.
- [8] Sanz, R., Peris, J. & Escamez, J. (2017). **Higher education in the fight against poverty from the capabilities approach: The case of Spain.** *Journal of Innovation & Knowledge* 2, 53-66. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.jik.2017.03.002>
- [9] Abooyee Ardakan, M., Pourezat, A.A. & Pirannejad, A. (2007). **Using MANA system in Higher education.** *Journal of Social Development* (formerly Human Development) No. 2. {In Persian}.
- [10] Boni, A. & Walker, M. (2013). **Human development, capabilities and universities of the twenty-first century.** In: A. Boni, & M. Walker (Eds.), *Human development and capabilities: Re-imagining the University of the Twenty-first Century* (pp. 17-34). *London and New York*.

استلزامات این نظام را یادآور می‌شود، ظرفیت ایجاد پویایی در نظام آموزش عالی را دارد و باید در برنامه‌ریزی‌های مربوط به این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

- هرگونه برنامه‌ریزی و فراهم‌آوری امکانات، زیرساخت‌ها و پشتیبان‌های اقتصادی و مالی به جهت ایجاد زمینه‌ای مثبت و سازنده برای دانشجویان از اهمیت زیادی برخوردار است. وجود دغدغه‌هایی که مستقیماً با نیازهای اولیه انسان‌ها در ارتباط است، دامنه انتخاب و فرصت‌های افراد را محدود می‌کند.

در نهایت برخی از نکات پایانی حاصل از این پژوهش، در زیر یادآور می‌شود:

۱) قابلیت‌ها از مناظر و چشم‌اندازهای گوناگونی قابل دسته‌بندی و تحلیل هستند. بنابراین با توجه به نقطه کانونی پژوهش، تحلیل‌های ارزشمند و متنوعی قابل ارائه خواهد بود.

۲) برخی قابلیت‌ها کلیدی‌تر از سایر قابلیت‌ها بوده و حائز اولویتند و برخی قابلیت‌ها اولیت زمانی دارند. بنابراین اولویت‌بندی از لحاظ اهمیت و تحقق زمانی یکی از موضوعاتی است که می‌توان در آینده به آن پرداخت.

۳) برخی از قابلیت‌ها، درک قابلیت‌های دیگر را امکان‌پذیر می‌کنند. این قابلیت‌ها تأثیرات چندبرابر کننده دارند و به عبارت دیگر در تقویت سایر قابلیت‌ها تأثیرگذار هستند.

۴) در اجرای قابلیت‌ها، زمینه اجرا از اهمیت زیادی برخوردار است (برخی از پژوهشگران معتقدند باید پا را فراتر از لیست‌های از پیش تعریف شده و محصور قابلیت‌ها و سازوکارهای استاندارد ارزیابی دستاوردهای حاصل از این قابلیت‌ها گذاشت. در عوض، باید تلاش کرد چشم‌اندازی چندبعدی نسبت به کیفیت داشت و همزمان آن را با زمینه مورد نظر پیوند داد).

۵) برخی از این قابلیت‌ها توسط فرد و بخشی توسط آموزش عالی تقویت می‌شود.

۶) برخی قابلیت‌ها در مرحله ورود، برخی در فرایند آموزش و برخی در پیامدها پررنگ‌تر هستند و برخی در همه این مراحل.

- [23] Barrie, S. C. (2004). **A research-based approach to generic graduate attributes policy.** *Higher Education Research & Development*, 23, 261–275. DOI: <https://doi.org/10.1080/0729436042000235391>
- [24] Haigh, M., & Clifford, V. (2011). **Integral vision: A multi-perspective approach to the recognition of graduate attributes.** *Higher Education Research & Development*, 13, 573–584. DOI: 10.1080/07294360.2011.598448
- [25] Byram, M. (1997). **Teaching and assessing intercultural communicative competence.** *Clevedon: Multilingual Matters.*
- [26] Su, Y. (2014). **Self-directed, genuine graduate attributes: The person-based approach.** *Higher Education Research & Development*, 33, 1208–1220. DOI: <https://doi.org/10.1080/07294360.2014.911255>
- [27] Terzi, L. (2007b). **The Capability to be Educated**, in: M. Walker and E. Unterhalter (eds) *mmrr yya nnn's Cppbbtttty pp procch nnd oollll luseeee in Education. Palgrave MacMillian.*
- [28] Walker, M. (2006) **Higher Education Pedagogies.** *New York: Open University Press*
- [29] Mutanga, O. & Walker, M. (2015). **Towards a Disability-inclusive Higher Education Policy through the Capabilities Approach.** *Journal of Human Development and Capabilities*, 16:4, 501-517. DOI: 10.1080/19452829.2015.1101410
- [30] Mahlangu, V.P. (2019). **Rethinking student admission and access in higher education through the lens of capabilities approach.** *International Journal of Educational Management*, Vol. 34, No. 1, pp 175-185. DOI: 10.1108/IJEM-08-2019-0280
- [31] Campbell, L. A. & Mckendrick, H. J. (2017). **Beyond Aspirations: Deploying the Capability Approach to tackle the under-representation in Higher Education of young people from deprived communities.** *Studies in Continuing Education*, vol. 39, no. 2, pp. 120-137. DOI: 10.1080/0158037X.2017.1293630
- [32] Loots, S. & Walker, M. (2015). **Shaping a gender equality policy in higher education: which human capabilities matter?** *Gender and Education*, 27:4, 361-375. DOI: <https://doi.org/10.1080/09540253.2015.1045458>
- [33] Mahdi, M., Yamanidouzi, M., Rezaeizadeh, M., & Monadi, M. (2020). **The capability approach and equity in higher education: A meta-synthesis of students capabilities.** *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 26 (1), 1-22. {In Persian}.
- [34] Naghizadeh, R., Elahi, S., Manteghi, M., & Ghazinoory, S. S. (2015). **The meta-synthesis of**
- [11] Boni, A., & Gasper, D. (2012). **Rethinking the quality of universities: How can human development thinking contribute?** *Journal of Human Development and Capabilities*, 13(3), 451–470. DOI: 10.1080/19452829.2012.679647
- [12] Walker, M. (2009). **Making a world that is worth living in: humanities teaching and the formation of practical reasoning.** *Arts and Humanities in Higher Education*, 8(3), 231–246. DOI: <https://doi.org/10.1177/1474022209339960>
- [13] Walker, M., & Boni, A. (2013). **Higher education and human development. Towards the public and social good.** In: A. Boni, & M. Walker (Eds.), *Human development and capabilities: Re-imagining the University of the Twenty-first Century* (pp. 35–59). *London and New York: Routledge.*
- [14] Amiri, M, Mahmoudi, V, Afrough, E. & Nayyeri, Sh. (2013). **Explaining Functional Framework of IRIB for Development of Human Capacities.** *Strategy*, 22(1). {In Persian}.
- [15] Robeyns, I. (2003). **The capability Approach: An Interdisciplinary Introduction.** *3rd International Conference on the Capability Approach*, Pavia, Italy.
- [16] Sen, A. (1987). **On Ethics and Economics.** *Oxford, Blackwell.*
- [17] Mahmoodi, V., Abooyee Ardakan, M., Abdollah Milani, M., & Shabani, E. (2018). **Investigating of Social Assistance System Mechanisms Based on Human Capability Approach.** *Iranian Journal of Public Policy*, 4(2), 57-79. DOI: 10.22059/ppolicy.2018.67869. {In Persian}.
- [18] Gore, T.O. & Walker, M. (2020). **Conceptualising (dis)advantage in South African higher education: A capability approach perspective.** *Critical studies in teaching & learning*, Vol. 8, Issue 2. DOI:10.14426/cristal.v8i2.250
- [19] Walkington, H., Dyer, S., Solem, M., Haigh, M. & Waddington, Sh. (2017). **A capabilities approach to higher education: geocapabilities and implications for geography curricula.** *Journal of Geography in Higher Education.* DOI:10.1080/03098265.2017.1379060
- [20] Walker, M. (2005). **Higher education pedagogies: A capabilities approach.** *New York: Open University Press.*
- [21] ElKhayat, R.S. (2018). **The Capabilities Approach: A Future Alternative to Neoliberal Higher Education in the MENA Region.** *International Journal of Higher Education*. Vol. 7, No. 3. DOI: <https://doi.org/10.5430/ijhe.v7n3p36>
- [22] Boni, A., McDonald, P., & Peris, J. (2012). **Cultivating engineers' humanity: Fostering cosmopolitanism in a Technical University.** *Journal of Educational Development*, 32, 179–186. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2011.07.001>

- [38] Norouzi, E., mashayekh, J., & mohseni, M. (2018). **Looking at the concept and dimensions of science and technology diplomacy: A meta-synthesis approach.** *Innovation Management Journal*, 7(2), 1-24. {In Persian}.
- [39] Hesabi, F., elahi, S., hasanzadeh, M., & shayan, A. (2021). **Analytical Framework for Commercialization of Science and Technology with a Meta-synthesis Approach: Investigating the Dimensions of Analysis, Actors and Functions.** *Journal of Entrepreneurship Development*, 14(3), 420-401. DOI: 10.22059/jed.2021.320813.653629. {In Persian}.
- [40] Kamali, Y. (2017). **The methodology of Meta synthesis and implications for public policy.** *Political Quarterly*, 47(3), 721-736. DOI: 10.22059/jpq.2017.62861. {In Persian}.
- regional innovation models: A review of 1990–2013. *Innovation Management Journal*, 3(4), 25-56.
- [35] Ranjbar, M. H., Hajipour, B., rahmati, M. H., Shahhoseini, M., & Yazdani, H. R. (2021). **Identifying the Dimensions of the Impact of Organizational Identity on Organizational Strategy: a Meta-Synthesis Approach.** *Journal of Business Management*, 13(1), 21-41. DOI: 10.22059/jibm.2020.310593.3951. {In Persian}.
- [36] Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). **Handbook for Synthesizing Qualitative Research.** *New York: Springer.*
- [37] Paterson, B. L. (2001). **Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis.** *Sage*, 3. DOI: <https://doi.org/10.4135/9781412985017>

